



نمونه‌های ماندگار در نگاه قرآن کریم

محمد مهدی نور علی فرد

آوردند تا زیبایی او را بر میهمانان بنمایاند اما شهبانو نه. پذیردا شاه متکبر را از این نافرمانی خشم در درون زبانه می کشد و این نافرمانی به قیمت عزلت و انزوای همیشگی شهبانو و شتی تمام می شود. راستی چه ارزش و انگیزه‌ای این بانو را وادار به حفظ حجاب و عفافش نمود گرچه به دور گشتن از مصاحبت مردم و درباریان بیانجامد؟! چه اشخاصی الگوی آزاده و وشتی و امثال این دو بوده و هستند که اگر آن اشخاص نبودند معلوم نبود بر سر حقیقت خواهی و یکتاپرستی و حجاب و عفاف چه می آمد؟

اشخاصی که در شرایطی سخت با اخلاص تمام و برای رضای خداوند، از بسیاری امکانات مادی و رفاهی چشم پوشیدند و به همین خاطر، راهشان و نام و یادشان زنده ماند؛ انسان‌های نمونه و کمیابی که هر کدام در جوهی از انسانیت، نمونه انسان‌ها شدند و این، اختصاص به زن و مرد ندارد.

در اینجا نگرشی قرآنی داریم به مجموعه‌ای از خصال دو شخصیت بزرگ که قرآن کریم آنها را به عنوان دو نمونه انسان معرفی فرموده: آسیه شهیده و مریم صدیقه.

«ضرب الله مثلا للذین امتوا امرأة فرعون...

بهرام گور گاهی کنیزک خود آزاده را برای شکار به همراه می برد. یکبار بهرام آهویی را به گونه خاصی شکار می کند که حاکی از قساوت دل وی بود. آزاده آزاده خاطر می شود و معترضانه به شاه می گویند: این کار، مردانگی نیست. بهرام گور طاعی، که جز به اطاعت بی چون و چرای اطرافیان رضایت نمی دهد و هر گونه مخالفتی را به سخت ترین شکلی پاسخ می گوید کنیزک را از روی زین بر زمین افکنده و زیر دست و پای اسب به قتل می رساند. راستی انگیزه آزاده برای چنین اعتراضی آن هم به شاه قسی القلب و متکبری مثل بهرام گور چه بود؟

خشیارشا که از هند تا حبشه بر ۱۲۷ ایالت فرمان می راند در سال سوم سلطنتش مهمانی هفده روزه باشکوهی در باغ دربار شوش ترتیب داد که سروران و خادمان همه ایالات به شرکت در آن خوانده شده بودند با پرده‌های کتان به رنگ سفید و لاجورد با ریسمان‌های سفید و ارغوانی از حلقه‌های سیمین به ستون‌های مرمر سفید آویخته، نوشابه‌ها در پیمانه‌های زرین و ظرف‌ها همه گوناگون و شراب به فراوانی. هفتم روز از جشن چون شاه را شراب در ربود فرمان داد تا شهبانو و شتی را تاج بر سر به پیشگاه

مجله فصلی تخصصی
تاریخ و تمدن ایران
شماره ۱۳۷
۱۳۷۴

و مریم اینست عمران التي احصنت فرجها...»

تحریم/ ۱۱ و ۱۲

پیش از اینکه با نگاهی دقیق، این دو بانوی گرانقدر را از خلال این آیات کریمه بشناسیم، دو نکته مهم را باید در نظر داشت:

۱. این آیات در صدد بیان نمونه‌هایی برای همه انسان‌های مؤمن اعم از زن و مرد است به همین خاطر خصال ویژه زنان در اینجا نیامده تا خصلتی که ذکر شده بتواند مایه الگوگیری تمام زنان و مردان باشد. حتی لحن این آیات در مورد مریم صدیقه با لحن آیه ۹۱ سوره انبیاء متفاوت است، در اینجا فرمود: «التي احصنت فرجها فنفتحنا فيه من روحنا.» که از ضمیر مذکر استفاده کرد اما در سوره انبیاء فرمود: «التي احصنت فرجها فنفتحنا فيها من روحنا» که ضمیر مؤنث را به کار برده است و نیز در اینجا فرمود: «كانت من القانتين» و فرمود: «قانتات» اما در آیه ۳۳ سوره آل عمران به مریم خطاب گردید: «أقتی لربك». دعا‌های آسیه شهیده نیز به گونه‌ایست که اثری از جنبه‌های زن بودن وی به چشم نمی‌خورد: «قالت رب ابن لی بیتا فی الجنه و نجنی من فرعون و عمله و نجنی من القوم الظالمین.»

۲. این دو بانو قاعدتاً باید در شرایط خاصی واقع شده باشند که رفتار آنان به عنوان رفتار نمونه معرفی گردیده است.

این دو شخصیت، نمونه‌های انسانند اما با توجه به کلمه «مثلاً» در آیات مذکور، که از لحاظ ادبی نکره است پیداست که نمونه‌های انسان منحصر به این دو بانو نیست.

آسیه شهیده

قرآن کریم مهم‌ترین فضیلت‌های آسیه را در قالب دعا و آرزو بیان فرموده است، آرزو و دعای او به اجابت رسید زیرا اولاً آنچه می‌خواست متعالی‌ترین خواسته‌های او بود و چیزهایی را آرزو کرد که شایسته اجابت بودند و ثانیاً سرمایه خدادادیش یعنی

رقت قلب خود را بجا صرف کرد، آری! نیایش و راز و نیازش نشان از فهم عالی او دارد آنگاه که عرضه داشت «رب ابن لی عندک بیتا فی الجنه و نجنی من فرعون و عمله و نجنی من القوم الظالمین؛ ای پروردگار من! بنا کن برای من نزد خودت خانه‌ای را در بهشت و مرا از فرعون و کار او نجات ده و مرا از دست مردمان ستم‌پیشه نجات بخش.» دعای آسیه آنچنان با ارزش و توأم با رقت قلب بوده که قرآن کریم در معرفی شخصیت او تنها به نقل آرزو و دعای او بسنده فرموده است زیرا آرزوها و دعا‌های شخص می‌تواند بسیاری از ابعاد وجود او را حکایت کند و می‌تواند در شرایطی ویژه، بزرگترین سلاح مؤمن محسوب شود و باعث ثبات قدم او و دیگر مجاهدان راه خدا گردد.

آنچه آسیه عرضه داشت یک دعا بود با شش خواسته که دو تای آنها به تولدی برمی‌گردد و چهارتای دیگر به تبری. دو درخواست نخست او یکی لقاءالله و یکی بهشت است این دو خواسته فرع تولای او نسبت به خداوند است و چهارتای دیگر که جنبه تبری و بیزاری جستن دارند عبارتنند از:

۱. رهایی از فرعون و ظلم و شکنجه‌های او؛

۲. نجات از کار فرعون؛ مگر فرعون چه می‌کرد که آسیه آرزوی رهایی از آن را داشت؟ از آیات دیگر قرآن کریم به دست می‌آید که فرعون طغیانگر و مسرف بود و به خداوند بزرگ و یگانه شرک می‌ورزید و البته، شرک ریشه اصلی انحرافات او بود. بنابراین آسیه می‌خواست از شرک و طغیان و اسراف که فضای دربار و به تبع آن، فضای جامعه را پر کرده بود و بیم آن می‌رفت که وی را نیز به کام خویش فرو برد رهایی یابد این آرزو و خواسته، فرع تبری او نسبت به شرک و طغیان و ظلم و اسراف و نسبت به مشرک و طاغوت و ظالم و مسرف می‌باشد.

۳. آسودگی از چنگال مردمان ستم‌پیشه که وی را مورد آزار و اذیت‌های شدید قرار می‌دادند؛

۸۷۷



اشخاصی که در شرایطی سخت با اخلاص تمام و برای رضای خداوند، از بسیاری امکانات مادی و رفاهی چشم پوشیدند و به همین خاطر، راهشان و نام و یادشان زنده ماند؛ انسان‌های نمونه و کمیابی که هر کدام در وجوهی از انسانیت، نمونه انسان‌ها شدند و این، اختصاص به زن و مرد ندارد



۴. ورهایی از اعمال - کلمه «و اعمالهم» به قرینه «من عمله» حذف شده است - این مردم؛ و اعمال آنها عبارت بود از ظلم پذیری و در خدمت سلطان ظالم جائر بودن و اطاعت او.

نقش آسیه در ثبات قدم مؤمنان

در آن وضعیت بحرانی و سرنوشت‌ساز که گروندگان به موسی (ع) زیر شکنجه‌های طاقت‌فرسا بسر می‌بردند پایداری آسیه نقش بسیار مهمی را در ثبات قدم آنان بازی کرد؛ زیرا او همسر فرعون است و به خاطر جایگاه ویژه‌ای که دارد می‌داند که اگر پایداری نماید چه مقدار در استحکام روحیه مؤمنین مؤثر است؛ آسیه در خانهای زندگی می‌کند که صاحب آن خانه

ادعای «انا ربکم الاعلی» دارد و شعار «ما علمت لکم من اله غیری» در سر می‌پروراند، در چنین خانهای بانویی نشأت می‌گیرد که نمونه مردم با ایمان است.

مریم صدیقه

از لحن آیات آخر سوره تحریم و نیز آیات دیگر قرآن کریم پیداست که مریم در شرایط ویژه‌ای قرار گرفت و در آن شرایط، به خاطر هدفی متعالی، از امکانات و مواهبی

چشم‌پوشی نمود شناخت این شرایط ویژه بسیار مهم است؛ زیرا اگر قرآن کریم نمونه انسان را مثل می‌زند به خاطر آن است که اگر مؤمنی در آن شرایط قرار گرفت به آن نمونه اقتدا کند قرآن کریم فرمود: «و مریم ابنت عمران الّتی احصنت فرجها فنفخنا فیه من روحنا» نخستین ویژگی آن بانو، «احصان فرج» برشمرده شده که با مطلق احصان متفاوتست. قرآن کریم از کسی که ازدواج کرده با تعبیر «محصن» یاد می‌کند اما در سخت‌ترین فرض، کار کسی که ازدواج برای او میسر نشده و در عین حال، رود پرخروش و پرتلاطم غریزه جنسی را در دریای آرام حیا و عفافش، آرام نموده را «احصان فرج» نامگذاری کرد. مسلماً اگر

برای کسی شرایط ازدواج فراهم گردید و هم‌شان خود را یافت و در عین حال از ازدواج سرباز زد، این کار برای وی هیچ منزلتی را به ارمغان نمی‌آورد. گاهی شخصی با مورد مناسب و کفو خود بیوند آسمانی زناشویی می‌بندد و در حصن حصین پاکدامنی قرار می‌گیرد؛ او «محصن» است اما گاهی نیز کسی ممکن است به دلیل معقولی موفق به ازدواج نشود - مثلاً کفو خود را نیابد یا در مورد بانوان، کسی به خواستگاریش نیاید و ... - در حالیکه خطر ازدواج با غیر هم کفو - مثلاً ازدواج با غیر مؤمن یا شرابخوار یا بداخلاق - یا خطر آلودگی و دیگر خطرات او را تهدید می‌کند



علم و دانایی و مال و ثروت، زکات متناسب با خود را دارند چرا که هر دو، سرمایه‌اند. زیبایی نیز یک سرمایه است. اگر زکات مال و علم موجب آباد شدن ظاهری و دنیوی شهرها و روستاها می‌گردد، زکات زیبایی - که عفاف است - موجب آبادی ظاهری و باطنی، دنیوی و اخروی و مادی و معنوی و اخلاقی جوامع انسانی می‌شود

پاکدامنی و عفاف خود را پاس بدارد و احسان فرج نماید گرچه به قیمت عزلت و انزوای او تمام گشته از برخی مواهب محروم شود. در این شرایط ویژه است که ازدواج نکردن و صبر نمودن یک ارزش بسیار والا بر شمرده می شود. آنگاه که یک انسان مؤمن در وضعیتی زیست می کند که دلیلی معقول او را از ازدواج منع می نماید در چنین شرایط ویژه ای که غریزه

تمایل به جنس مخالف نیز وی را تحت فشار گذاشته خطرها او را تهدید می کنند، بایستی به مریم صدیقه اقتدا کند. وی به عنوان انسان نمونه، کاری که انجام می دهد احسان فرج است «آلتی احصنت فرجها».

و برای این کار از خاندانش - و به طریق اولی از مردم - عزلت گزیده پرده ای در قسمت شرقی بیت المقدس نصب نموده و به بندگی خداوند اشتغال می یابد! این است شاهکار مریم صدیقه.

دلیل مریم برای ازدواج نکردن

در مورد عدم ازدواج مریم تا آخر عمر، دلیل قطعی در دست نیست اما دست کم می دانیم تا مدتی قطعاً ازدواج نکرده و تولد مسیح (ع) از طریق اعجاز بوده است. نسبت به مدتی که مریم قطعاً ازدواج نکرده دلائلی را می توان مطرح کرد:

۱. نذر مادرش که حکایت این نذر در سوره آل عمران آیه ۳۵ آمده است. اما به طور قطع نمی توان گفت نذر مادر مانع ازدواج مریم صدیقه بوده است و اثبات این مانعیت کار آسانی نیست



از لحن آیات آخر سوره تحریم و نیز آیات دیگر قرآن کریم پیداست که مریم در شرایط ویژه ای قرار گرفت و در آن شرایط، به خاطر هدفی متعالی، از امکانات و مواهبی چشم پوشی نمود

به ویژه که متعلق نذر باید رجحان شرعی داشته باشد اما می توان گفت نذر مادرش زمینه و فضای مساعدی را برای احسان وی فراهم نمود.

۲. کفو و همتای مریم در آن عصر وجود نداشته است.

۳. مریم به الهام الهی دریافته باشد که فعلاً نباید ازدواج کند تا وجود او کانال نفع روح خدا در وی و تولد مسیح به طریق اعجاز باشد.

اما به هر حال احسان فرج به

عنوان یک ارزش گرانتگر هرگز منحصر به مورد خاصی نیست. بنابراین هر مؤمن یا مؤمنه ای اگر در شرائطی قرار گرفت که با دلیلی خداستدانه و مورد پذیرش شریعت، موفق به ازدواج نشده صبر کند و پاکدامنی خویش را پاس بدارد در واقع او به نمونه انسان یعنی مریم (س) اقتدا نموده و لذا مشمول رحمت خاص خداوند قرار گرفته و نسیم رحمت او بر وجودش خواهد وزید: «ففخنا فیه من روحنا» نتیجه این نفع روح در مورد مریم، تولد مسیح (ع) است و در موارد دیگر می تواند نتیجه ای متناسب با همان مورد را داشته باشد.

در مورد عزلت و انزوای مریم (س) که در سوره مریم آیه ۱۶ مطرح شده است: «إِذَا أَنْتَبَدتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا؛ آنگاه که مریم از خاندانش در گوشه ای شرقی کناره گیری کرد»

ممکن است با تأمل جامعه شناختی درباره عصر حضرت مریم (س) و مراجعه به اناجیل اربعه، بتوان اثبات کرد در آن عصر فضای جامعه بسیار آلوده بوده و زنان از وضعیت مناسب اخلاقی

برخوردار نبوده‌اند. به این ترتیب حتی اگر نذری هم در کار نبود، شرایط ویژه‌ای موجب می‌شد مریم(س) روش خاصی متناسب با اوضاع در پیش گیرد. گرچه نذر مادر نیز زمینهٔ بهتری را فراهم کرد تا مریم در خلوت بیت‌المقدس، به سجده و قنوت و رکوع با راکعین پرداخته مقرب درگاه شود.

مراتب احسان

نکتهٔ بسیار مهمی که در اینجا باید به آن توجه کرد این است که احسان فرج منحصر به عدم ازدواج نیست بلکه مراتب دیگری نیز می‌تواند داشته باشد که عفاف نامیده می‌شوند و عدم ازدواج، در حقیقت، سخت‌ترین مرحله و مزرده آن است. بنابراین مراتبی از آن نیز بر افرادی که ازدواج کرده‌اند صدق می‌کند به ویژه آنکه عفاف از مهم‌ترین عوامل استواری و دوام بنیان مقدس خانواده می‌باشد و موجب نزول برکات خاص و مراتبی از نفخ روح الهی می‌گردد.

فاطمه زهرا(س) کامل‌ترین مصداق احسان

گرچه عدم ازدواج سخت‌ترین مرتبهٔ احسان فرج است و مریم(س) این مرتبه را - دست کم برای مدتی - تجربه کرد اما لزوماً به معنای ارزشمندترین و کامل‌ترین مرتبهٔ آن نیست. کامل‌ترین مرتبهٔ آن مربوط به صدیقهٔ طاهره فاطمه زهرا(س) است که جز با کفو خود ازدواج نکرد و تا علی(ع) نیامد جواب رد به خواستگاران خود داد در حالیکه علی(ع) تهیدست و اصلع بود و شرایط ازدواج با ثروتمندان و اشراف قریش و جوانان خوش قد و قامت‌تر برای آن بانوی بانوان دو عالم فراهم بود. بدین ترتیب صبر آن حضرت پیش از ازدواج با علی(ع) و نحوهٔ انتخاب آن حضرت، مصداق کامل‌ترین مرتبهٔ احسان می‌باشد

و لذا کامل‌ترین مرتبهٔ روح خدا نیز در وی دمیده شد و فرزندانى چون امام حسن(ع) و امام حسین(ع) و زینب و ام کلثوم نتیجه این نفخ روح الهی‌اند.

عفاف، زکات زیبایی

حضرت علی(ع) فرمود: «زکاة الجمال، العفاف».

علم و دانایی و مال و ثروت، زکات متناسب با خود را دارند چرا که هر دو، سرمایه‌اند. زیبایی نیز یک سرمایه است. اگر زکات مال و علم موجب آباد شدن ظاهری و دنیوی شهرها و روستاها می‌گردد، زکات زیبایی - که عفاف است - موجب آبادی ظاهری و باطنی، دنیوی و اخروی و مادی و معنوی و اخلاقی جوامع انسانی می‌شود. عفاف، از مهم‌ترین عوامل و ارکان بهداشت روانی خانواده و جامعه و استواری بنیان آنهاست و یک عبادتست همانگونه که زکات مال و زکات علم (که نشر آن است) نیز عبادتند.

دو ویژگی دیگر حضرت مریم(س)

در دنبالهٔ آیهٔ ۱۲ سورهٔ تحریم فرمود:

«و صدقت بکلمات ربها و کتبه و کانت من القانتین»

مریم(س) نه تنها به وحی و کتب آسمانی اعتقاد کامل داشت بلکه با عمل خود آنها را تصدیق کرد و نیز از اطاعتی مداوم توأم با خضوع نسبت به حق تعالی برخوردار بود. به این ترتیب ویژگی‌های: عفاف - با معنای وسیعش که حتی عدم ازدواج در موارد خاص را شامل می‌شود - تصدیق وحی الهی و کتب آسمانی بادل و عمل و نیز اطاعت توأم با خضوع، سه رکن اصلی شخصیت مریم را به عنوان نمونهٔ انسان تشکیل می‌دهند. سه رکنی که اختصاص به زن و مرد ندارند.